

# مبادی و مراکز حقوقی و قانونی ایران

## دیباچه

جند اول قانون مدنی ایران که مشتمل بر ۹۵۵ ماده است و در اردی بهشت ۳۰۷ پس از اهتمام و جمع‌آوری که از طرف انجمن تدوین قوانین بعمل آمد بصوب مجلس شورای ملی ایران رسیده و همچنین جلد دوم و سوم قانون مدنی که مشتمل بر ۳۸۰ ماده است در ماههای بهمن و اسفند فروردین و مهر و آبان ۳۱۳ از تصویب مجلس شورای ایران گذشته - مبنا و اساس حقوق جدید ایران شناخته می‌شود.

این هزار و سیصد و سی و پنج ماده قانون باستثنای چند قسمت آن که در کتب فقهای اسلامی مورد احتیاج نبوده و سابقه نداشته منبع و شالوده آن فقه شیعه و فتاوی علمای اثنی عشریه است و از این سبب که فقها و مشرعین و محدثین بزرگ اسلامی با ایمان و علاقه کامل با اصول دیناتی و فروع مذهبی و با تحمل زحمات بی پایان کمر همت بمیان بسته و از میان آن همه اختلافات و عقائد متشکته و متفرقه در دینان اسلامی و ظهور مذاهب و فرق عدیده که مخصوصاً در قرن دوم و سوم هجری باعلا درجه شدت رسیده بود بجمع و تدوین احادیث و اخبار بذل همت و فدا کاری حیرت آوری نموده و پس از تهذیب و تنقیح آن احادیث و تطبیق با ارکان و اصول موضوعه صورت قانون و حکم بآنها داده و مکلفین را مکلف بعمل بآنها نموده‌اند - باین جهات میتوان دعوی نموده که قانون مدنی ایران که از چنان منابع ذخاری از علم و عمل و ایمان و عقیده سرچشمه گرفته است اگر کاملترین قوانین اعصار مدنیت بشری نباشد در ردیف محکمترین و جامع ترین قوانین است که سعادت و صلاح و آسایش و حفظ حقوق و حدود جامعه و پیروان خود را میتواند تأمین نماید.

فقها و مشرعین بزرگ و صاحبان فتاوی نه تنها دارای قدس واقعی و ملکات اجتهاد و قوای مستنبطه بوده اند بلکه

از لحاظ دیانت و تکلیف دینی و مذهبی کاملاً مقید بوده اند که در حکم و فتوا و اظهار عقیده منحرف از اصول نشده و از ارکان و مبادی که مستند احکام آنان بوده است تخطی و انحراف نوزند در صورتیکه در آن دوره ها نه از تعقیب و مجازات و تملیق نام و نشانی بوده و نه از محکمه انتظامی تصور بیم و هراسی میرفته همان قدس حقیقی و ذاجر معنوی و امید ثواب اخروی بوده است که آنها را تا سرحد امکان و تکلیف و ادار بر رعایت اصول و قواعد و ارکان مینموده است

خواننده و بیننده هر کتاب یا آثاری که بدست اومی افتد و بفرغت خاطر و شاید بسر سری صفحات و اوراق آن را از نظر میگذرانند کمتر متوجه این نکته میشوند که این کتاب که در نظر او قرار گرفته نسبت با اهمیت موضوع چه ساعات و چه دقائق و چه ایامی صرف تصنیف یا تألیف آن شده مصنف یا مؤلف یا ناظم این کتاب در راه ایجاد آن چه شبها را به بیداری و بحث و فکر و هیجان دماغ و قلب بروز رسانیده چه روزهایی را برای کسب اطلاع در تحقیق و کشف حقیقت امر و مراجعه با اصول و اشخاص و زوای و نازل و مدارک بشب آورده و چه بسا برای اقناع خصم و دفاع از حق و اثبات عقیده مواجه با چه مشکلات و مخاطرات و ناملازمات گردیده و شاید در بین بحث و جدال و ظرفرداری از عقیده و مسلک و مشرب جنگها و جدالها در گرفته 'فئنه هابر خواسته' حق و باطل' نفی و اثبات' وجود و عدم و بالاخره اختلاف سلیقه و مذاق باهم نبردها و کشمکش ها کرده اند و در مقابل اینهمه حوادث و مخاطرات یکی پشت کار و استقامت بخرج داده تا توانسته است يك کتاب را از وجود ذهنی و تصویری بصورت وجود و مشاهده بیرون بیاورد و در دسترس خواننده بگذارد. تاریخ تمدن اسلامی که ایرانینها مخصوصاً سهم وافر از آن تمدن دارند و غالباً مرکز و محور حیات علمی و عقلی آن تمدن بوده اند در چندین قرن پراست از آن حوادث و تطورات که

ورود در آن موضوع فعلا خارج از این بحث است.

### نهضت علمی

در نیمه قرن دوم هجری که خلافت بنی عباس پایه خود را محکم و استوار نمود يك نهضت علمی حیرت آوری که زمینه آن در دوره انحطاط بنی مروان و ظهور دعوت عباسی فراهم شده بود از بغداد مقر خلافت اسلامی شروع شده و دائرة این نهضت با سرعت فوق تصویری وسعت یافته و تمام اقطار ممالک اسلامی را فرا گرفته است.

علماء و نویسندگان و صاحبان فکر و بحث و هر کس که اندک سرمایه علمی و معنوی در خود سراغ میکرده با عشق و شوق سرشاری قیام نموده و در آن میدان پهنآوری که يك طرفش دیوار چین و ترکستان و يك سمتش الجزیره اندلس بود قدم گذارده و سرمایه خود را بکار انداخته. از اطراف قصور خلفا و دربار اعیان و وزراء گرفته تا در بیغوله ها و دره ها و در بیابانها همه جا دیده میشود که رجال علم و کاوان معرفت و دانش در حرکت و جنبش و قیام و قعودند.

این نهضت درخشان علمی که در ادوار تمدن بشر کمتر نظیر دارد در مسیر خود البته با حوادث و تطورات زیاد مصادف گردیده و گاهی با موانع و مشکلات جهالت و بربریت و تعصب برخورد کرده ولی متروک و فراموش نشده و حیات سراسر افتخار خود را تا اواخر دوره صفویه ادامه داده یعنی قریب نه صد سال این چراغ عالم افروز بر سر در قصر تمدن با شکوه شرق نور افشانی میکرده و تا قلب اروپا را نیز در بر تو خود قرار داده و بحکم تاریخ و سیره رجال علم و مردان فکر و قهرمانان شمشیر ایرانی مشتمله داران تمدن گیتی فروز بوده اند.

وقتی که انسان در موقع مطالعه این عده معدود قانون مدنی ایران این واقعات و حوادث را در نظر بگیرد و متوجه بشود که این هزار رسیده یا کمتر ماده قانون از میان چه امواج و چه انقلابات و چه نهضت های دینی و اختلافات مذهبی عبور نموده تا حالا بدست ما رسیده و مبنا و اساس قوانین فعلی ما گردیده با اهمیت آن بی میبرد و ملتفت می شود که در حقیقت با يك کتاب مقدس آسمانی سر و کار

دارد و این مواد بکلی از مواد دیگر ممتاز است. علاوه بر مراتب دینی و مذهبی اگر از لحاظ ملیت و قومیت هم بخواهیم متوجه موضوع بشویم باز می بینیم ایرانیها با این کتاب علقه و رابطه خاصی دارند زیرا بانی و مؤسس و مروج مذهب شیعه بطوریکه متفق علیه مورخین تاریخ اسلامی است عقلا و متفکرین از رجال ایرانی بودند و ملت ایران در بازی کردن این رل مهم سیاسی هم عنوان خاصی بخود گرفت و هم استقلال خود را در زیر این عنوان حفظ نمود و علما و فقهای ایرانی برای اینکه این مذهب را بکلی از سایر مذاهب و فرق اسلامی جدا و مجزا کنند کتبی را مخصوص عقیده و طریقه شیعه جمع آوری و تألیف نمودند و بنام فقه شیعه آنرا مبنا و ملاک احکام شرعی پیروان این فرقه در مقابل فرق چهارگانه مالکی و شافعی و حنفی و حنبلی قرار دادند و قانون مدنی بطوریکه اشاره کردیم نتیجه و خلاصه يك قسمت از آن احکام است.

برای اینکه خوانندگان را متوجه اهمیت موضوع مورد بحث سازیم و هم برای اینکه تشویقی از باحثین و اهل تحقیق شده باشد درجه حدیث و استقامت و صبر و حوصله و پشت کار چند نفری از بزرگان رجال علم فقه و حدیث و صاحبان ترجمه و تألیف در ضمن چند سطر اشاره میشود

جابر ابن عبدالله

جابر ابن عبدالله انصاری که ساکن در مدینه بود اطلاع حاصل کرد که حدیثی را جمع بقصاص نزد عقبه بن عامر جهنی است که در مصر ساکن است شتری خرید و از مدینه حرکت نمود پس از یکماه شتر سواری وطنی طریق شخصی نامبرده را در مصر ملاقات کرد گفت برای چه آمده جابر گفت برای حدیثی که تو از رسول الله شنیده و احدی از شنوندگان جز تو باقی نمانده ترسیدم من بمیره یا تو بمیری و این حدیث ضایع شود.

شعبي میگوید - اگر مردی از اقصی شام تا انتهای یمن مسافرت کند که کلمه حکمتی بشنود سفر پر فایده کرده است.

خلیل ابن احمد ابو عمرو ابن ابی بوزید انصاری، اصمعی کتبی مدت عمر غالباً بر اخله سوار بودند از شهری شهری

از باده بیادیه از قطری بقطری با نهایت صعوبت راه و نبودن وسائل سفر راه می بینموند برای اینکه يك حدیث یا يك شعر یا يك لغت و یا يك حقیقتی را از اهلس بشنوند.

ابن ندیم در فهرست خود آورده است که میانه مأمون خلیفه عباسی و امپراطور روم مراسلاتی رد و بدل شد در خصوص اینکه پادشاه روم اجازه دهد که از علوم قدیمه مخزونه در روم هر چه را که فرستادگان خایفه انتخاب کنند بیفداد حمل نمایند امپراطور پس از امتناع از قبول بالاخره اجابت نمود و مأمون دسته از علماء و اهل تحقیق را بقسطنطنیه گسیل داشت تا کتب منتخبه را نقل نمودند و پس از وصول کتب خلیفه امر داد که بشقل و ترجمه آنها بپردازد.

نیز همین خلیفه هنگامی که با حاکم جزیره قرص صلح نمود از او تقاضا کرد که خزانه کتب یونان را که در جزیره موجود است بیفداد بفرستد آن خزینه مجموعه از کتب یونانی بود در تصرف حکام جزیره که احدی بر آن خزینه اطلاع نداشت و فرماندار جزیره با کراهت زیادی آن مخزن را بیفداد حمل نمود و مأمون سهل بن هارون را که از دانشمندان و از فلاسفه آن عصر بود خزینه دار آن کتب قرار داد. خزینه الحکمه یا بیت الحکمه بغداد که مؤسس آن خلیفه هارون الرشید بود در عهد مأمون رونق و انتظام مخصوصی یافت مکانی بود که کتب حکمت و تاریخ فارسی و کتب طبی و فلسفی یونان بهمت این دو خلیفه در آنجا جمع آوری شده و بزحمت و کوشش علماء و دانشمندان نقل و ترجمه یافته و این مخزن یکی از مآثر با افتخار عهد اول عباسی و نمونه از جدیت و پشت کار و نشاط فضلا و بزرگان آن عصر است.

علمای علم حدیث که محتاج بر آوری و ناقل و محدث بودند و میخواستند فلان حدیث را از اهلس بشنوند برای جمع و تألیف و بدست آوردن احادیث نشاط بر دبازی و صبر و حوصله عجیبی در رحلت و سفر و تحمل مشقات از خود بروز میدادند.

بیغمبر هنگامیکه از حنین بمدينه برگشت ۱۲ هزار نفر صحابی همراه داشت ده هزار نفر از آنها در مدينه وقت نمودند و دو هزار نفر در اثنای جنگها و فتوحات باقطار ممالک بعیده چون روم و ایران و مصر سفر کرد و در هر جا پراکنده بودند علماء و مؤلفین برای اینکه فلان حدیث را از فلان

صحابی یا لا اقل بيك واسطه از فلان تابعی بشنوند از قطری بقطری و از اقلیمی باقلیمی سفر می کردند.

یحیی ابن یحیی اللیثی یکی از فقها و محدثین بزرگ اسلامی است که اصلا بربری و در اندلس سکونت داشت برای اینکه احادیث را از منبع خود گرفته باشد از اندلس بمشرق روانه شد در سن ۲۸ سالگی برای دیدن مالک ابن انس صاحب کتاب موطا و امام معروف مذهب مالکی بمدينه آمد از آنجا برای ملاقات سفیان بن عیینه بمکه سفر کرد و از مکه برای دیدن لیث بن سعد بمصر مسافرت نمود.

مسلم بن حجاج صاحب کتاب الصحيح معروف که از اهل نیشابور بود بحجاز و مصر و شام و عراق برای شنیدن احادیث و جمع آوری آنها غالباً در مسافرت بود و پس از این مسافرتها طولانی بتألیف کتاب پرداخت و در نیشابور وفات نمود محمد بن اسمعیل معروف بخاری صاحب کتاب (جامع الصحیح) برای فراهم آوردن این کتاب بخراسان و مازندران و سفرهای عراق و حجاز و بالاخره تا شام و مصر با تحمل مشکلات و مشقات زیاد مسافرت نمود در نتیجه این بردباری و شکیبائی مافوق تصور موفق گردید که هفت هزار وسیله نود و هفت حدیث در کتاب خود جمع آوری کند.

این مرد با استقامت و قوی اراده علاوه بر جمع احادیث قدم دیگری هم در راه این علم برداشت که قبل از او احدی تن باین زحمت نداده بود باین معنی که قبل از بخاری علماء حدیث از قبیل مالک و ابن جریر در جمع احادیث کفایت بپیمان جمع آوری احادیث شهر و موطن خود مینمود ولی بخاری دائره ارسعت داد و مدت ۱۶ سال در اقطار ممالک اسلامی در حرکت بود و علاوه بر جمع حدیث تحقیق در صحت و ضعف آنها میکرد و این تحقیق مستلزم اطلاع و احاطه کاملی بر حال رجال و ناقلین و حاملین احادیث و مشرب و مذهب و طریقه آنها بود معرفت دقیق بحال يك سلسله از روای که از عهد صحابی اول تا زمان بخاری بوده اند و تشخیص اخلاق و سجاویز هر يك از آنها که کدام امین و ثقة و صادق بوده اند و کدام متظاهر و کاذب و خادع و مشکوک و مستور الحال و همچنین اطلاع کافی بر اینکه هر يك از آنها دارای چه مذهب از مذاهب خارجی ' معتزلی ' مرجمی ' شیبی و غیر اینها

بوده اند در نهایت عسرت و مشقت است و بخاری با صبر و حوصله و استقامت بی نظیری همه را تحمل نمود تا بمقصود خود نائل گردید. (حاشیه - بخاری ایرانی و یکی از مفاخر علمی این کشور است نیاکانش نیز ایرانی و زردشتی بودند مغیره یکی از اجداد او اول کسی است که قبول دین اسلام کرده. بخاری در سال ۱۹۴ در بخارا متولد شده در کودکی او پدرش وفات نموده در امان مادر تربیت شده در ده سالگی شروع بعلم حدیث نموده و پس از زحمات بی پایان بطوریکه در متن گفته شده شاهکاری را در علم حدیث از خود بیادگار گذارده و در سال ۲۵۶ هجری در بخارا وفات نمود.

حنین ابن اسحاق برای تعلیم فلسفه و فرا گرفتن حکمت یونان شهرهای روم مسافرت نمود زبان یونانی را آموخت و بپاره مراجعت کرد و همچنین برای بدست آوردن و جمع آوری کتب کباب بنواخی عراق و شام و اسکندریه مسافرت های عدیده نمود.

یاقوت در معجم البلدان میگوید: ابازید احمد بن - سهل بلخی در جوانی با گاروان حاج پیاده از بلخ بعراق آمد و مدت هشت سال در تمام نواحی عراق در مسافرت بود و از اهل علم اقتباس میکرد و عاوم زیاد از هر رشته فرا گرفت و از یعقوب بن اسحاق کندی فلسفه و طب و نجوم را آموخت و از علمای مسلم آن عصر گردید.

خلاصه اینکه نیمه دوم از قرن دوم و سراسر قرن سوم که نویسندگان این قرن را مورد نظر خاص قرار داده و آن قرن را جمع و نقد میگویند در نهضت علمی و جنب و جوش رجال علم از قرون درخشانی است که در تاریخ اتمناض علمی و عملی بشر کمتر نظیر دارد و برای اینکه بیش از این در این موضوع اطالعه سخن نشود بذکر سه نفر دیگر از شخصیات قویه علم و اجتهاد که بکنفر از آنها عرب و دونفر دیگر ایرانی الاصل هستند و انصاف نبود که از ذکر آنها در اینجا صرف نظر شود اجمالا میپردازیم و این قسمت را که من باب نمونه و تمثیل وارد این بحث نمودیم خاتمه میدهیم.

عبدالله بن امیه از عرب حضرموت منبع سرشاری از اخبار و روایت و حدیث و فقاها بود از طرف منصور خلیفه

عباسی ده سال در مصر قضاوت داشت و اتفاقاً شیعی مذهب هم بود و فقه را موافق مذاهب شیعه تعلیم میداد. او را ابخریطه کنیه داده بودند زیرا صفحه بگردن آویخته بود و در مصر و اطراف آن میگشت هر دسته و هر نفر واردی را میدید با آنها نزدیک میشد از میانه آنها پیره مرد هارا کنار میکشید از آنها میپرسید - در عمر خود چه اشخاصی را یاد دارید؟ چه اشخاصی را ملاقات کرده اید و از آنها چه شنیده اید؟ گفته های آنها را در آن صفحه که بگردن آویخته بود یاد داشت میکرد. این شخص در تاریخ علمی مصر از رجال بزرگ شناخته شده و در سال ۱۷۴ وفات نموده است.

لیث بن سعد اصلاً ایرانی و اصفهانی است خانواده او از اصفهان بمصر مهاجرت کرده و ولادت لیث در مصر در سال ۹۴ هجری شده است پس از تکمیل مقدمات علمی در مصر بحجاز رحلت نموده از علمای حجاز استفاده علمی کرده از حجاز بعراق سفر نموده و از فقاها و علوم فقها و علمای عراق که در اصول اجتهاد و ارکان فقه مذهبی و رای مذهب فقها و متشرعین حجاز داشتند معلومات و آفری اندوخته کرده و از آنجا بمصر مراجعت نموده است. لیث از فقهائی است که مال و علم را هر دو باهم جمع کرده املاک وسیعاً در حیزه مصر داشته که دخل سالیانه اش پنجهزار دینار بوده نسبت بعلماء و فقها و ارباب حاجت دستگیرها و سخاوتهای مردانه میگردد. از بندر اسکندریه با سه کشتی حرکت مینموده که یک کشتی مخصوص مطبخ او بوده و یک کشتی خانواده اش در آن بودند و کشتی سوم حامل او و مهمانهای او بوده. برای مالک ابن انس فقیه حجاز مکرر صلاة کرانها هدیه میکرد و باو مینوشت هر چه میخواهی از من بخواه و هر کسی هم از تو انتظاری دارد یا او را لازم الرعایه میدانی بجانب من راه نمائی کن زیرا من باین بخششها مایل و مسرورم.

ناحیه علمی این مرد اصیل ایرانی مثل ناحیه مالیش عظیم و فیاض بود. قدرت فقاهاهی او را قرین مالک میدانند بلکه شافعی را درباره اش این عقیده است که «اللیث افقه من مالک» الا ان اصحابه لم یقوموا به. احمد بن حنبل امام حنابله گفته است: (ما فی هولاء المصریین اثبت من اللیت...

ما اصح حدیثه) گویا در میان این خوش بختی نادرالافتاح که لیث را در جمع مال و علم عاید شده بود يك نقطه ضعف و بدبختی داشت که اصحاب و یاران موافق و متعصبی در حوزه او نبودند و الا بنا بمقیده صاحبان رجال حق و سزاوار این بود که مصریها مذهب و طریقه نابغه علمی خود را نگاهدارند و تابع مذهب و عقیده او باشند.

منصور خلیفه عباسی او را طلبید و تکلیف امر قضاوت را باز نمود لیث امتناع کرد و گفت من ضعیف تر از آنم که چنین قلاده سنگینی را بگردن بگذارم. منصور اصرار کرد و گفت - با بودن من تصور ضعفی جز ضعف بدنی خودت مکن آیا قوه قویتر از قوه من میخواهی و چنانچه در امتناع خود ثابت قدم هستی مرا بدیگری که لایق این مقام باشد دلالت نما.

لیث در خردمندی و منزلت بر تبه بود که خلفا و امراء او را به مشورت می گرفتند و او مصالح امر و منافع عمومی را با صراحت لهجه بآنها میگفت و نصایح عاقلانه میداد. هارون الرشید را در عراق ملاقات نمود خلیفه از او پرسید صلاح بلاد شما چیست، لیث گفت صلاح بلاد ما جاری ساختن رود نیل و اصلاح خاک آنجا زیرا تیرگی و گسل آلودی چشمه از سر چشمه است هرگاه سر چشمه پاک شد چشمه پاک میشود.

روزانه چهار مجلس داشت، يك مجلس برای حوائج حکومت ( مقصود مشاوره هائی است که امیر مصر در امور دولتی از او میکرد ) دیگری برای اصحاب حدیث، سومی برای فتاوی، چهارم برای حوائج مردم.

خلاصه اینکه این شخص در علم و شرف و فضیلت یگانه مرد مصر در عصر خود بوده و در سال ۱۷۵ وفات کرده است. ظهیری - یکی از مفاخر علمی قرن سوم هجری است. ابن الندیم در فهرست معروف خود در فن هفتم از مقاله ششم میگوید:

ابوجعفر محمد بن جریر بن بزید بن خالد الطبری التاملی عمالة، علامه و قته و امام عصره و فقیه زمانه در سال ۲۲۴ در آمل زائیده شده و در سال ۳۱۰ هجری وفات نموده است مدت ۸۷ سال عمر خود را صرف تعلیم و فرا گرفتن

علوم متداوله نمود و در هر رشته از فنون علم بقدری ماهر و متبحر گردید که در هر يك دارای عقیده و مذهبی مخصوص خود گردید و حوزه بحث و درس او که فضلا و علمای معاصر اعضاء آن حوزه بودند یکی از مجامع قوی اساس علمی است؛ ظهیری علم حدیث را از شیوخ مبرز این علم آموخته. فقه را نزد داربن علی خوننده فقه شافعی را در مصر از فقهای شافعی، فقه مالک را از فقهای مالکی فقه عراقی با حنفی را درری از فقهای عراقی گرفته مستندات عالی را در مصر و شام و عراق و کوفه و بصره و ری درك نموده در تمام علوم - علم قرآن نحو، اشعر، لغت، فقه متغذبن بوده و محفوظات زیاد از هر قبیل داشته در تمام علوم کتب زیادی تألیف کرده و شاهکار جاویدان او کتاب تفسیر اوست که احدی کتابی باین جامعی و مفیدی در تفسیر ننوشته و از بزرگترین آثار علمای عصر عباسی است.

اجمالا اینکه مملکت پهناور اسلامی در سهولت انتقال علما از محلی به محل دیگر بگفته یکی از نویسندگان معاصر - گویا صفحه شطرنجی بوده است که علما و فضلا بیادکان آن صفحه بوده اند. فلان عالم را در مشرق سراغ میکردند تا گاه در اندلس او را میدیدند، بلافاصله در عراق بعد در مصر تا گاه در شام و بالاخره در صحراها و بادیه ها او را می جستید که چالاک و مردانه دنبال مطلوب معنوی خود در جست و خیز است و اینهمه زحمات و مخاطرات و طی اینهمه بادیه و بیابان این همه مرحله سستی و فتوری در عزم و همت او راه نیافته زیرا در نفوس آنها این عقیده جوشان بود که طلب علم جهاد است و هر کس در راه علم مرد شهید مرده است و بسیاری از آنان طلب در تحصیل علم را مقصد ذاتی و حقیقی میدانستند نه وسیله جاد و ممر معاش و مطلوب آنها همان لذت علم بود دیگر نتیجه هر چه میخواهد باشد خواه غنا خواه فقر خواه مرگ و خواه حیات.

پاس ملیت در سایه تشیع

چون اساس و مبنای احکام و قوانین حقوقی ایران قانون مدنی است و بطوریکه در بدو مقل اشاره بان شد قانون مدنی ایران از فقه شیعیه گرفته شده است و در فقاهت اسلامی دارای عنوانی خاص و اصولی جداگانه از فقاهت اربعه اسلامی

میباشد مقتضی و مناسب است که در خصوص ظهور و پیدایش این مذهب دینی که آمیخته با يك سیاست عمیقی بوده است و رابطه مستقیمی با عقل و فعالیت رجال ایران داشته بطور خلاصه و اجمال گوشزد و صحبت نمائیم.

مذهب شیعه یا تشیع از عظیم ترین و با اثرترین مذاهب فرق اسلامی است. گرچه بروز این مذهب اختلافات شدیدی در جامعه اسلامی ایجاد نمود و باعث حوادث هولناکی گردید ولی از لحاظ منافع و مصالح قومیت و ملیت ایران تنها وسیله و پناهگاهی بود که ایران و ایرانی را از فنا و انقراض و ذوب شدن در کانون عربیت نجات داد و نگاهداری نمود. در حقیقت اساس تشیع ظاهراً و بدون اراده يك مذهب دینی ولی باطناً و با الاراده يك ممالک سیاسی بوده است که از قرن اول تاریخ اسلامی بعد در کفّه ترازوی دیانت اسلام يك وزن سنگینی گذاشته است.

اگرچه این نام و این عنوان که به پیروان حضرت علی علیه السلام اطلاق میشود بلافاصله پس از رحلت حضرت خاتم الانبیاء بر سر موضوع خلافت تکوین گردید و در سقیفه بنی ساعده طرح این بناریخته شد و در آن تاریخ دیانت اسلام وارد سرحد کشور ایران نشده بود ولی مسلم است که معمار عمارت بر روی طرح اولیه ایرانیها بودند و بدست آنها این نهال ضعیف آبیاری شد تا روزیکه درختی بارور و پرشاخ و برگ و تناور گردید بطوریکه قادر شد ممالکت پهناوری را در زیر سایه خود بگیرد و استقلال از کف رفته را صورتاً و معنماً برگرداند.

بلی بلافاصله پس از فوت رسول الله آتشی در میان مهاجر و انصار و پس در میان مهاجرین مشتعل شد ولی سکوت و تسلیم و بردباری حضرت علی که محور این هنگامه بود و بیعت نمودن با خلفای ثلاثه کهها یا اجباراً و منظور نمودن مصالح اسلامی را بیش از مصالح شخصی آن آتش را فرو نشانید ولی پاره اخگر هائی در زیر خاکستر پنهان ماند که باد های مخالف آنرا مشتعل نمود.

واقعه کشتن عثمان خلیفه سوم و حادثه فجیعیه کربلا و ستمکاریها و جنایات خلفای اموی و بنی مروان یکی پس از دیگری باد های مخالف را برانگیخت. اشخاصی که در گوشه

و کنار از روی عقیده و ایمان علی و آل علی را در خلافت ذیحقی و اولی بتصرف میدانستند و همچنین کسانی که دنبال بهانه و منتهز فرصت بودند که اختلافی بین مسلمین ایجاد کنند و آنها را بهم ریخته و ضعیف نمایند این آتش را دامن زدند.

در اینجا از تبلیغات اولیه این قضیه که بصورت مهیجی از ناحیه ابوذر غفاری و عبدالله سبا و بعضی از طرفداران جدی آل علی بعمل آمد و زمینه را مهیا ساخت صرف نظر میمائیم و از دوره خلافت اموی بعد مختصری از جریان اوضاع را اشاره مینمائیم.

### ورود بکار . نفوذ معنوی . نفوذ سیاسی

غلبه سیاسی عرب در ایران باندک زمانی منجر بعلیه معنوی گردید و نفوذ عرب تا اعماق روح ایرانی راه یافت ولی باز در مقابل قلبه عرب ایرانی مغلوب مقاومت شدی از خود بروز داد، تعلیمات عربی را پذیرفت لیکن با مزاج و ذوق خود توافق داد و بصورت دیگری افکار و تمدن خود را در عرب اجرا نمود.

تشکیلات حکومت اموی بر اساس عربیت و عربی محض بود نزدیکان و کارکنان و عمال و حکام و سران سپاه آنها همه عرب بودند با همان خستونت و بدادوت و آداب عهد جاهلیت خلفا و درباریهای اموی بجز عرب با حدی اطمینان نداشتند و غیر از ملت عرب سایر ملل را که در حوزه اسلام واقع شده بودند همه را موالی خوانده و بیچشم غلام و زخرید نگاه میکردند و با نهایت شدت و ستمکاری و تعدی با آنها رفتار مینمودند بخصوص نسبت بکسانی که آنها را طرفدار علی و آل علی یا از هوا خواهان بنی هاشم میدانستند این رفتار ظالمانه حس انتقام را در ملل تابعه بیدار نمود نهضت ضد عرب که آن را (شعوبی) مینامیدند آغاز گردید و چون در مقابل خلفای اموی فقط آل علی و در درجه دوم بنی هاشم بودند که با حکومت اموی اظهار مخالفت مینمودند شعوبیها خود را طرفدار آل علی معرفی کردند و ایرانیها در همین نهضت بطرفداری خاندان علی معرفی شدند و در مواقع فرصت از مخالفت و ضدیت با حکام اموی و مروانی خودداری نمیکردند.